

حزب توده ایران در جمهوری اسلامی

امروز اگر پاسخ ندهیم
چه زمانی پاسخ بدهیم؟

نامه زنده یاد نورالدین کیانوری خطاب به "علی خامنه ای" رهبر جمهوری اسلامی که پس از درگذشت وی در راه توده منتشر شد، نامه ایست تاریخی که با هر گرایش و وابستگی توده ای باید آن را بارها خواند. این نامه حاوی اطلاعات گسترده ای، در فشرده ترین کلمات است و نباید اجازه داد گرد زمان بر آن بنشیند و ما تعجب می کنیم که سایت هائی بنام تمایل و یا وابستگی به حزب توده ایران روی شبکه اینترنت فعال اند، اما این نامه تاریخی را پوشش نمی دهند و ابعاد آن را در نوشته هائی مستقل باز نمی کنند. غفلت "نامه مردم" در این زمینه بحثی است جداگانه که سرانجام و بموقع خود باید به تاریخ حزب در این باره توضیح بدهند و اگر مجمعی از شاهدان چهار دهه اخیر تحولات ایران و حزب توده ایران در قید حیات بودند سئوالات خود را برای جمع طرح خواهند کرد نه در محافل بسته ای که راه به جایی نیز ندارد.

آنچه را کیانوری در این نامه می نویسد، اشاره به ۷ سال زندگی در پناه مرگ در زندان های اوین و کمپته مشترک یا "زندان توحید" است و مهر باطل بر همه صحنه سازی ها و تبلیغاتی که در جمهوری اسلامی روی شوهای تلویزیونی راه انداخت. در همین نامه اشاره به دوران های پر نوسان سیاسی در نوع برخورد با توده ایها و رهبران زندانی حزب توده ایران می شود. بویژه پس از پوچ از آب در آمدن آن پرونده سازی توطئه آمیزی که براساس آن گویا حزب توده ایران قرار بوده کودتا کند و ارتش سرخ از افغانستان به طرف تهران سرازیر شود!

فراز و فرود موقعیت آیت الله منتظری در حاکمیت وقت جمهوری اسلامی و در نبرد سختی که او با آدمکشان و انقلابی شدگان پس از انقلاب در آن دوران داشت، در همین نامه و در نوع مدیریت و سرپرستی زندان اوین و رابطه حوزه علمیه قم با رهبری در بند حزب توده ایران منعکس است. اخیراً، یکی از شخصیت های شریف و خوش نام مطبوعاتی که در خارج از کشور بسر می برد، سئوالی را با ما در میان گذاشت، که همین سئوال خود انگیزه ای شد برای بازانتشار نامه نورالدین کیانوری به خامنه ای.

ایشان از ما سئوال کرده است: این واقعیت است که کیانوری در شب ورود ارتش سرخ به افغانستان بدیدار آیت الله خمینی رفت و به او گفت که واکنشی نسبت به این ماجرا نشان ندهد؟ این واقعیت است که رهبران حزب توده ایران پس از دستگیری به قم رفته و درس طلبگی خواندند؟... این تخیلات آلوده به غرض ورزی که در ذهن انسان های شریف و بی غرضی نظیر سئوال کننده نیز فرو کرده اند را چرا نباید پاسخ داد؟ و چرا تنها "راه توده" باید زیر این بار برود و دیگران نه؟

ما به آن سئوال کننده پاسخ خود را دادیم و توضیحات مفصل تری نیز در باره سالهای فعالیت علنی حزب توده ایران در جمهوری اسلامی و اندکی نیز در باره سالهای زندان، اما سهم دیگران چه می شود؟

ما ابتدا به ایشان توضیح دادیم، آنکه در شب ورود ارتش سرخ (۴ صبح) به دیدار آیت الله خمینی رفت سفیر وقت اتحاد شوروی در ایران بود نه کیانوری. اساساً هرگز ملاقاتی بین نورالدین کیانوری و آیت الله خمینی صورت نگرفت. نه در دوران اقامت وی در پاریس که هر کس برای بیعت پاشنه در خانه وی را می کند و نه دوران پس از انقلاب و بازگشت ایشان به ایران. حتی وقتی شادروان "قدوه" با پیام پلنوم ۱۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران که در آستانه فروپاشی کام نظام شاهنشاهی تشکیل شده بود به پاریس رفت، تنها توانست این پیام را تسلیم آیت الله اشراقی

داماد آیت الله خمینی که در آن زمان در دفتر آقای خمینی همه کاره بود بکند. این درحالی بود که شادروان قدوه تحصیلات اولیه خود را در حوزه علمیه قم پشت سر گذاشته و با آیت الله خمینی از حوزه علمیه قم آشنا بود. قطعاً اگر فرصت چنین ملاقاتی در تهران دست می داد، کیانوری برای این دیدار همه نوع آمادگی را داشت، اما هرگز چنین فرصتی فراهم نشد. فرصتی فراهم نشد و ملاقاتی صورت نگرفت و این شایعات را درست کرده اند، وای بر آنکه چنین می شد! ما حتی حدس می زنیم که خود آیت الله خمینی باهوشیاری کامل از چنین دیدار و جنجالی فاصله گرفت. البته ملاقات هائی که میان کیانوری با امثال علی خامنه ای، هاشمی رفسنجانی و یا آیت الله بهشتی صورت گرفت و یا دیدار هائی که وی با ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور وقت داشت، همگی اگر با اشاره تائید و موافقت یا اطلاع آیت الله خمینی نبود صورت نمی گرفت، اما ملاقات مستقیمی با خود وی هرگز صورت نگرفت.

درباره شایعه درس طلبگی رهبری حزب در حوزه علمیه قم، پس از زندانی شدن رهبران حزب توده ایران نیز به ایشان توضیح دادیم و اینجا نیز می نویسم که، این هم از آن شایعاتی است که مورچه ای را فیل فرض کرده و بر کرده آن گرز بدست گرفته اند. آنچه که مبنای این شایعه شده آن ارتباطی است که از طرف حوزه علمیه قم در زندان با رهبران حزب توده ایران برقرار شده بود و کیانوری در نامه خود به علی خامنه ای بدقت آن را شرح می دهد. آنچه که بصورت شایعه پخش شده، آن ماجرا "خسن و خسین، هر سه خواهران معاویه اند" را به یاد می آورد. حوزه علمیه خود پیش قدم شده و در دورانی که باد در پرچم آیت الله منتظری بوده، با رهبران زندانی حزب در زندان اوین ارتباط برقرار کرده و برعکس آنچه که گفته شده، این آنها بوده اند که می خواسته اند سر از مارکسیسم و کاپیتال و اقتصاد مارکسیستی در آورند، نه آن که رهبران حزب می خواسته اند درس خارج نزد آقایان بخوانند!

آنچه هم که درباره آیت الله موسوی اردبیلی گفته می شود، بی پر و پایه است. آن که به زندان می رفته و رابط حوزه علمیه قم با کلاس های درس مارکسیستی رهبری حزب ما در اوین بوده، حجت الاسلامی بوده بنام "موسوی زنجانی"! متأسفانه برخی شتابزدگی ها و بی دقتی ها در سایت های طیف توده ای نیز به این شایعات دامن می زند.

بهرروی، این ماجرا، در مجموع خود انگیزه ای شد برای باز انتشار نامه کیانوری به علی خامنه ای و از آنجا که تجربه تقسیم مطالب بلند و انتشار آنها با عناوین مستقل و مربوط به آن فصلی که انتشار می یابد، ما این نامه را نیز به چند بخش تقسیم کردیم که در هر شماره راه توده منتشر می کنیم. این نامه بصورت کامل نیز در بخش آرشیو راه توده قابل دسترسی است. برای این شماره؛ با توجه به آنچه در بالا و در رابطه با سئوالاتی که با ما در میان گذاشته شد، آن بخش از نامه را منتشر می کنیم که مربوط به تشکیل کلاس های تدریس مارکسیسم، کاپیتال و اقتصاد سیاسی است.

راه توده ۱۷۰ ۱۰,۰۳,۲۰۰۸